

دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا (س)
سال سی‌ام، دوره جدید، شماره ۲۶، پیاپی ۱۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ / صفحات ۳۲۰-۲۹۷
مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ جایگزین و کارکرد آن در همگانی‌سازی تاریخ^۱

مرتضی نورائی^۲

زهره رضایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶

چکیده

اهمیت تاریخ‌نگاری و تأثیرگذاری آن بر ابعاد مختلف حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، ضرورت همگانی‌سازی آن را در سطح عمومی آشکار می‌کند. محققان برای پاسخ‌گویی به این نیاز، راه‌کارهایی اندیشیده‌اند؛ یکی از سازوکارهای مؤثر در این زمینه، «تاریخ جایگزین» است که در نقطه عطف‌های تاریخی، مسیرهای احتمالی و موازی رخدادها را به چالش می‌کشد. درحقیقت نتایج مترتب از حادثه تغییر یافته، با به چالش کشیدن شرایط سیاسی اقتصادی دنیای کنونی، جهانی جایگزین و غیرواقع را تصویر می‌کند. این رویه، به دلیل قابلیت‌های بالقوه آن، در عرصه تاریخ‌نگاری نیز کارکردهای مفیدی می‌یابد. ایجاد جذابیت برای عامه مردم، بالا بردن قدرت تخیل و تعقل در درک گذشته، ارائه اشکال نوینی از واقعیت‌های اجتماعی، شکل‌دهی به تفکرات تاریخی و تقویت حافظه تاریخی، بخشی از قابلیت‌های تاریخ جایگزین به‌شمار می‌آید. این مقاله که با رویکرد توصیفی و تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای تدوین شده، به ضرورت اجتماعی‌سازی تاریخ، تاریخ جایگزین و چگونگی شکل‌گیری، توسعه و کارکرد آن در همگانی‌سازی تاریخ می‌پردازد.

واژگان کلیدی: تاریخ جایگزین، اجتماعی‌سازی، مخاطب عام، همگانی‌سازی تاریخ

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HPH.2021.34449.1486

۲. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

۳. دکترای تخصصی، پژوهشگر تاریخ، گروه تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول):

z_rezaii92@yahoo.com

مقدمه

تاریخ جایگزین، شیوه‌ای متفاوت برای نگاه به گذشته و تکنیکی جدید برای ارائه تاریخ است که در یک قرن گذشته، مراحل تکامل خود را آغاز کرده است. اگرچه نمونه‌های اندکی از این نوع نگارش تاریخی از قرون گذشته باقی مانده، رویکرد تخصصی و بهره‌گیری آگاهانه از آن برای بیان تاریخی، پدیده‌ای جدید در عرصه ادب و تاریخ به شمار می‌رود. خالق اثر در تاریخ جایگزین، به‌طور آگاهانه نقطه‌ای مهم از تاریخ را در نظر گرفته و با تصور بُعد متفاوتی از آن، به تفسیر برآیندهای احتمالی این تفاوت در جهان واقعی می‌پردازد. نکته مهم در این فرایند، شگفتی خواننده است که او را متوجه و راغب به خواندن و پی‌گیری ماجرا و تاریخ می‌کند. بدین گونه است که گفته می‌شود تاریخ جایگزین می‌تواند کشش و جذابیتی متفاوت برای مخاطب به ارمغان آورد.

از یک منظر این‌گونه روایت در حقیقت ادبی از گذشته، اگرچه آمیخته با تخیل و خلاف واقع است، در حیطه تاریخ و تاریخ‌نگاری می‌تواند قابلیت متفاوت داشته و حتی کارکردی علمی بیابد. گاه مطالعه واقعیت رخدادهای تاریخی آن‌چنان یکنواخت و تکراری می‌شوند که مخاطب، به نگاهی گذرا بسنده کرده و رغبتی برای پی‌گیری بحث نمی‌یابد. اما بیان مجازی یک حادثه بزرگ و آشنا، چشمان نیم‌بسته و بی‌حوصله مخاطب را می‌گشاید و با تحریک حس کنجکاو او، ذهن مخاطب را به سمت تفکر و تحلیل در جهت مقایسه تطبیقی وقایع واقعی پس از آن رخداد با آنچه ممکن بود روی دهد، سوق می‌دهد. بدین‌سان، ذهن تحلیل‌گر مخاطب، فعال می‌شود و افزون بر بازدهی مناسب‌تر از مطالعه گذشته، گرایش و جذابیت بیشتری برای مخاطب به وجود می‌آید. با توجه به قابلیت این تکنیک در ارائه روایت گذشته به طرق مختلف و در قالب‌های متنوع، همچون رمان تاریخی، فیلم و انیمیشن تاریخی، داستان‌سرایی نقلی و شفاهی، می‌توان از آن به‌مثابه روشی مؤثر در همگانی‌سازی تاریخ، بهره برد. بدین‌سان تاریخ جایگزین به‌نوعی ممزوج و آمیخته با فرهنگ یک جامعه خواهد بود. اهمیت کار زمانی بر محقق و تاریخ‌نگار آشکار می‌شود که عدم‌اقبال و گرایش جامعه ایرانی به مطالعه تاریخ به‌عنوان معضلی علمی فرهنگی، مطرح می‌شود. اینجاست که متفکر و اندیشمند تاریخ به دنبال راهی خواهد بود تا تاریخ را از حلقه خواص و انزوای کتابخانه‌ها بیرون آورد و در اختیار عموم مردم قرار دهد. البته در این راستا تاریخ جایگزین با قابلیت ویژه خود، گزینه مناسبی خواهد بود.

علی‌رغم نبود پیشینه پژوهشی طولانی درخصوص تاریخ جایگزین، در یک قرن گذشته باب‌های تازه‌ای در زمینه بهره‌گیری از کارکردهای آن در محافل علمی و تاریخی جهان مطرح

شده است. در واقع اهمیت و شفافیت حوزه تاریخ جایگزین ب عنوان یک ژانر مستقل تا سال‌های دهه نود همچنان مبهم بود، ولی در سال ۱۹۹۵ سه نفر از فعالان ادبی علاقه‌مند به حوزه تاریخ جایگزین به نام‌های استیون سیلور^۱، لیپر^۲ و یک متخصص ناسا به نام اشمانک^۳، مؤسسه‌ای به نام جایزه سایدوایز^۴ تأسیس کردند. این مؤسسه که به اعتقاد اشنايدر-مایرسون^۵ تاریخ جایگزین را یک ژانر ادبی می‌داند (Schneider-Mayerson, 2009:64)، هر ساله به یک کتاب و یک داستان کوتاه در قالب تاریخ جایگزین جایزه سایدوایز را اعطا کرده و آثار مستعد را معرفی می‌کند.^۶ در این میان، سایت (www.uchronia.net) بزرگترین آرشیو آثار تاریخ جایگزین را ارائه کرده است. تعدادی از مقالات تحقیقی در خصوص تاریخ جایگزین در مجله «نظریه و تاریخ»^۷ در سال ۲۰۰۲ م منتشر شد. روزنفلد نیز در مقاله‌ای، آثار متعدد مرتبط با حوزه تاریخ جایگزین را معرفی کرده است (Rosenfeld, 2002:91).

با این وجود، اهمیت تاریخ جایگزین، در میدان تاریخ‌نگاری ایرانی کمتر شناخته شده و نگاه تخصصی و بحث پیرامون آن نیز به ندرت در پژوهش‌های تاریخی دیده می‌شود. در آبان ماه ۱۳۹۲ نشست تخصصی پیرامون تاریخ جایگزین در پژوهشکده تاریخ اسلام و با سخنرانی مرتضی نورائی برگزار شد که نخستین گام در این عرصه به شمار می‌آید، اما به رغم تأکید بر اهمیت این مسئله و لزوم پژوهش پیرامون آن، کماکان خلأهای نگرشی و نگارشی بسیاری، در راه شناخت و بهره‌گیری از این تکنیک تاریخ‌نگاری، در کشور وجود دارد. هدف از نگارش این مقاله، پاسخ‌گویی به برخی پرسش‌ها، در راستای ارتباط و تعامل بین اجتماعی‌سازی تاریخ در جامعه ایرانی و این فن تاریخ‌نگاری جدید است. سؤالاتی از جمله تاریخ جایگزین چیست و کارکردهای اساسی آن کدام است، اصولاً کاربرد تاریخ جایگزین به مثابه ابزاری در جهت توسعه دامنه مخاطبان تاریخ و بهره‌گیری در تاریخ اجتماعی چگونه است، از دغدغه‌های اصلی است که در این پژوهش بدان پرداخته خواهد شد.

تاریخ جایگزین چیست؟

ابتدا به تعریف لغوی تاریخ جایگزین پرداخته می‌شود. تاریخ جایگزین ترجمه اصطلاح (Alternate History) است که برای آن عناوین متعددی ذکر شده است که از جمله می‌توان به

1. Steven H. Silver
2. Evelyn Leeper
3. Robert B. Schmunk
4. Sidewise Awards
5. Schneider-Mayerson
6. <http://www.uchronia.net/sidewise/about.html>
7. Theory and History

(Allohistory)، (Al this)، (Alter History)، (Allotopie)، (Virtual History)، (Uchronie)، (Counterfactual History) اشاره کرد (Malcom, Löschnigg, Sokolowska-) (Paryz, 2014:171).

معادل تاریخ جایگزین در زبان‌های فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی و آلمانی، لغت یوکرونی^۱ یا یوکرونیا^۲ است. این لغت که در زبان انگلیسی با کمی تفاوت در نوشتار^۳، به همین شکل تلفظ می‌شود، از یک پیشوند «U-» که در زبان قدیم یونان معنی «نا/بدون» دارد و کروئوس^۴ به معنای «زمان» تشکیل شده است. بنابراین یوکرونیا را می‌توان «در بی‌زمان» معنی کرد؛ یعنی وقایعی که در هیچ زمانی رخ نداده‌اند. برخی مؤلفان مانند مارسینیاک^۵ (۲۰۱۵) معتقدند این وقایع تخیلی، عموماً به دنیایی بهتر منجر خواهند شد و پیشوند «U-» در کلمه یوکرونیا را با پیشوند مشابه در واژه اتوپیا^۶ به معنای مدینه فاضله، هم‌معنا دانسته و رابطه‌ای بین دنیای داستان‌های یوکرونیا و اتوپیا قائل هستند.^۷ گرچه مارسینیاک، اتوپیا یا مدینه فاضله را نیز جامعه‌ای دانسته که هیچ‌گاه وجود نداشته و رابطه‌ای بین این دو برقرار کرده است (Marciniak, 2015, preface:21-22).

نام تاریخ جایگزین در نگاه اول کمی دوپهلوی و بیمناک بر اهل فن می‌نماید. به‌ویژه برای گروهی از متخصصان تاریخ که اعتقاد راسخی به دست نخورده‌ماندن نصّ تاریخ و حفظ و حراست بی‌قیدوشرط از آن دارند، ممکن است ورود به این حوزه‌ها خوشایند نباشد. به نظر می‌رسد ارائه تعریفی خاص از تاریخ جایگزین امری دشوار باشد، چراکه به‌علت نوظهوربودن این گرایش هنوز تعریف خاصی از حدود و مرزهای آن به‌طور مشخص مطرح نشده است. شاید وجود نام‌های گوناگون برای این مسئله، خود شاهدهی بر این مدعا باشد. ظاهر تعریف، بسیار ساده به نظر می‌رسد، چنان‌که در فرهنگ لغات کالینز این‌گونه آمده: «تاریخ جایگزین یک ژانر داستانی است که در آن نویسنده چگونگی تغییر وقایع تاریخی را در صورتی که یک

1. Uchrone
2. Ucronia
3. Uchronia
4. Chronos
5. Marciniak
6. Utopia

۷. واژه Uchronia را اولین بار فیلسوف فرانسوی، چارلز برنارد رنویر (۱۹۰۳-۱۸۱۵) در زمان خود مطرح کرد. او در این باره می‌نویسد:

Uchronie (L 'Utopie dans l 'histoire), esquisse historique apocryphe du developpement de la civilisation europeenne tel qu 'il n 'a pas ete, tel qu 'il aurait pu etre (1876)

(یوکرونیا،^۸ تاریخ جامعه آرمانی) طرحی ساختگی از توسعه تمدن اروپایی بر اساس آنچه نبوده، بر اساس آنچه می‌توانست باشد)

رخداد تاریخی خاص به‌گونه‌ای دیگر اتفاق می‌افتاد، بیان می‌کند^۱» (Collins, 2017/05/21). رابرت اشمانک^۲، مدیر سایت یوکرونیا^۳ و یکی از نویسندگان فعال در این حوزه، تاریخ جایگزین را چنین تعریف می‌کند: «هر داستانی که در آن یک یا چند واقعه مربوط به گذشته را که به‌گونه‌ای دیگر رخ داده باشند در خود داشته و به توصیف آثار و پی‌آیند آن پرداخته باشد، می‌توان تاریخ جایگزین نامید.»^۴ وی بر اینکه واقعه مذکور در کلیات باید در گذشته اتفاق افتاده باشد، تأکید دارد.^۵

از سوی دیگر روزنفیلد حیطه تاریخ جایگزین را گسترده‌تر می‌داند و داستان‌های آینده و تاریخ اسرار را نیز در محدوده تاریخ جایگزین می‌آورد (Simon, D. 2016:10).

شنکل^۶ در رساله دکتری خود تاریخ جایگزین را یکی از گونه‌های ادبیات می‌داند که در آن ملاحظات داستان‌سرایی و تخیلی در ارائه روند تاریخی به کار گرفته شده که از جریان اصلی شناخته‌شده، منحرف شده و مسیری متفاوت یافته است (Schenkel, 2012:ii).

آنچه در تعاریف بالا مشترک و مشخص است، آنکه پدیدآورنده اثر تاریخ جایگزین، به‌طور آگاهانه نقطه‌ای از تاریخ را در نظر می‌گیرد و با تغییر آن، جریان وقایع پی‌آیند آن را دنبال می‌کند و بدین روش، ذهن خواننده یا شنونده را به چالش می‌کشد.

نقطه عطف، به‌طور منطقی باید واقعه‌ای معروف و اثرگذار در تاریخ باشد. بدین ترتیب تأثیر تغییر و پیگیری فرایند وقایع پس از آن محسوس‌تر خواهد بود. از این دست نقاط عطف تاریخی در تاریخ ایران و جهان بسیار است. در هر صورت، کیفیت اثر خلق‌شده، رابطه مستقیم با اطلاعات ایجادکننده اثر از ابعاد مختلف حادثه و اوضاع منطقه‌ای دارد که از آن صحبت می‌کند.

براساس تعاریف بالا می‌توان به‌طور کلی چنین گفت که یک اثر تاریخ جایگزین سه عامل اصلی تشکیل‌دهنده دارد:

۱. واقعه‌ای مهم و معروف^۷ در تاریخ که آثار آن بر ابعاد مختلف جامعه مشهود باشد؛

1. Definition of "alternative history" Collins English Dictionary". Retrieved 2017-05-21, <https://www.Collinsdictionary.com/us/dictionary/english/alternative-history>

"A genre of fiction in which the author speculates on how the course of history might have been altered if a particular historical event had had a different outcome."

2. Schmunk

3. uchronia.net

4. "Whatever it is called, alternate history somehow involves one or more past events that "happened otherwise" and usually includes some amount of description of the subsequent effects on history." (<http://www.uchronia.net/intro.html>)

5. "Whatever it is called, alternate history somehow involves one or more past events that "happened otherwise" and includes some"

6. Guido Schenkel

7. Point of Divergence (POD)

۲. تولید روایت فرضی از دگرگونی‌های آگاهانه در رخداد مذکور؛

۳. تحلیل و تعمیم تغییر فرضی و پیگیری وقایع پس از آن رخداد جدید در زمان‌های بعد یا تا زمان حال.

البته در تعریف کالینز، الزاماً واقعۀ مبنایی، معروف یا فراگیر بیان نشده است. از طرفی باید در نظر داشت تعریف فرهنگ لغت کالینز به‌عنوان اولین و عمومی‌ترین تعریف لغوی این اصطلاح ارائه شده است و می‌تواند قابل انتقاد باشد.

برخی دیگر از محققان، تاریخ جایگزین را زیر مجموعه‌ی تاریخ رقیب (Counterfactual History) دانسته و معتقدند که تفاوت اصلی این دو در آن است که تاریخ جایگزین به بررسی نقطه‌ی عطف روایاتی می‌پردازد که تأثیر بزرگی بر فرهنگ و تاریخ یک جامعه دارند، در صورتی که نقطه‌ی عطف روایات تاریخ رقیب می‌تواند وقایع بسیار بزرگ تاریخی نباشد (Rodwell, 2013, 82).

درحقیقت در این نگرش، تاریخ‌های موازی، تاریخ اسرار، تاریخ‌های شخصی یا میکرو، داستان‌های تخیلی دنیا‌های موازی یا سفر در زمان و حتی رمان‌های تاریخی به‌طورکلی در حوزه‌ی تاریخ رقیب قرار می‌گیرند و آثاری از این دست که پیش‌شرط‌های تاریخ جایگزین را دارا باشند می‌توانند در زمره‌ی آثار تاریخ جایگزین نیز قرار گیرند. چراکه، برای مثال، در رمان تاریخی ممکن است اگرهایی مطرح شود و منتج به ساخت صحنه‌ای از تاریخ گردد که اصلاً در تاریخ واقعی وجود نداشته باشد. بدین‌صورت نه تنها بخش‌های ثبت و ضبط شده‌ی تاریخ فرصت ارائه در قالب تاریخ جایگزین را دارند، بلکه برخی قسمت‌های به تاریخ نیامده‌ی گذشته نیز، با این راهکار، شانس حضور در تاریخ فرضی را خواهند داشت.

به‌این‌ترتیب با توجه به حدود و ثغور متفاوتی که محققان برای این سبک، تعریف کرده‌اند، کمیت مصادیق و آثار قابل ارائه نیز متغیر خواهد بود. به‌گونه‌ای که اگر خطوط مرزی تاریخ جایگزین را محدود در نظر بگیریم، بدون‌شک از تعداد نمونه‌های آن نیز کاسته خواهد شد.^۱ آنچه از تعاریف بالا بر می‌آید، نظرات درخصوص مرزهای تاریخ جایگزین تا حدودی

۱. برای نمونه طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹ تنها تعداد محدودی اثر به‌صورت قطعی در این ژانر و البته به سبک آکادمیک تولید شده‌اند؛ از جمله این آثار می‌توان به دو کتاب:

Rosenfeld, Gavriel, (2009), "The World Hitler Never Made", Cambridge University Press
Hellekson, Karen, (2001), "The Alternate History: Refiguring Historical Time", Kent State University Press.

و رساله‌های زیر اشاره کرد:

Collins, W. Joseph (1990), "Paths Not Taken", Davis, PH. D Thesis University of California.
McKnight Jr, E. V. (1994) "Alternative History: the Development of a Literary Genre", Ph.D Dissertation, University of North Carolina, Chapel Hill. (Schneider-Mayerson, 2009, p 81)

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۰، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ / ۳۰۳

مبهم است و ارائه تعریفی دقیق و خط‌کشی شده دشوار به نظر می‌رسد. با چنین پیش‌فرضی می‌توان گستره تاریخ جایگزین را براساس اصول زیر مشخص کرد:

۱. سه اصلی که بیشتر ارائه شد، یعنی انتخاب یک واقعه مهم و تأثیرگذار به‌عنوان نقطه عطف، تولید روایت فرضی و تحلیل و تعمیم تغییر فرضی و پیگیری وقایع پس از آن، رعایت شده باشد.

۲. عبور از خط قرمز علمی که همانا ارائه نمونه‌ای تغییر یافته از تاریخ، تحت عنوان تاریخ واقعی است، رخ ندهد.

۳. خالق اثر باید بر رسالت اجتماعی سبک خود به‌عنوان ابزاری قدرتمند و چندبعدی که قادر است به تقویت فرهنگ تاریخ‌دانی و تاریخ‌خوانی یک جامعه پردازد (اجتماعی‌سازی تاریخ)، واقف بوده و نشان دهد همگان می‌توانند تاریخ واقعی جامعه خود و دیگر جوامع را ولو از روش‌های جدید و جذاب و خارج از عرف آموخته و به دیگران بیاموزند. (همگانی‌سازی تاریخ)

ضرورت اجتماعی‌سازی تاریخ

پیش از پرداختن به روند شکل‌گیری تاریخ جایگزین و کارکردهای قابل تأمل آن، نگاهی به اجتماعی‌سازی تاریخ و ضرورت آن در جامعه، لازم به نظر می‌رسد. ابتدا، جهت درک بهتر موضوع، به بررسی تعریف دو رویکرد اجتماعی‌سازی و همگانی‌سازی و تفاوت آنها با یکدیگر می‌پردازیم.

بکر و کارپر (۱۹۵۶) اجتماعی‌سازی را فرایندی تعریف کرده‌اند که طی آن فرد «تصور از خویشتن به‌عنوان فردی که جایگاهی مختص به خود در حوزه فعالیت خویش دارد»، می‌دانند (Becker and Casper, 1956, 289). جان کلازن، اجتماعی‌سازی را فرایند نهادینه‌سازی هنجارها و ایدئولوژی‌های جامعه تعریف کرده (Clausen, 1968)، بوچر و استلینگ نتیجه فرایند اجتماعی‌سازی را «یک هویت، تعهد و حس فعالیت خاص و حرفه‌ای» در افراد می‌دانند (Bucher and Stelling, 1977, 20). ماسیونی، این فرایند را شامل یادگیری و آموزش توأم، و بنابراین ابزاری برای رسیدن به تداوم و ثبات فرهنگی و اجتماعی معرفی کرده است (Macionis, 2013, 126).

چنان‌که از تعاریف برمی‌آید، اجتماعی‌سازی در حوزه انسانی، همانا یافتن جایگاه فردی خود در بستر جامعه براساس هنجارهای اجتماعی و از تونل آموزش و یادگیری جهت رسیدن به ثبات فرهنگی و اجتماعی در فرد و جامعه است. بدین‌شکل، درخصوص فرایند اجتماعی‌سازی تاریخ، می‌توان گفت: «اجتماعی‌سازی تاریخ عبارت است از فرایندی که طی

آن، علم تاریخ در پی اقدامات آموزشی و یادگیری و با هدف رسیدن به یک تعادل و جایگاه متناسب اجتماعی، در جامعه نهادینه می‌گردد.»

در باب همگانی‌سازی (Popularization) نیز کالسامیگلیا و ون‌دایک (۲۰۰۴) چنین آورده‌اند: «همگانی‌سازی عبارت است از طیف وسیعی از انواع رویدادها و ژانرهای ارتباطی که شامل انتقال دانشی خاص به دانش «روزمره» و همچنین بسترسازی مجدد گفتمان علمی در قلمرو گفتمان رسانه اجتماعی و دیگر نهادها می‌باشد» (Calsamiglia & Van Dijk, 2004, 370).

بنابراین همگانی‌سازی تاریخ را می‌توان ارائه تاریخ به زبانی قابل فهم برای عامه مردم به گونه‌ای که هم به تاریخ علاقمند شوند و هم از آن لذت ببرند، از طریق کانال‌های ارتباطی مختلف، تعریف کرد.

از تعاریف بالا می‌توان وجه اشتراک فرایند اجتماعی‌سازی و همگانی‌سازی تاریخ را در مراحل ارائه تاریخ دانست. بدین معنا که همگانی‌سازی به‌عنوان تکنیکی برای یک تاکتیک بزرگتر که همانا اجتماعی‌سازی تاریخ است در نظر گرفته می‌شود. نکته مهم در فرایند اجتماعی‌سازی، هدف اصلی فرایند که همان نهادینه‌شدن علم تاریخ در جامعه است، می‌باشد و همگانی‌سازی تاریخ می‌تواند روش این فرایند در نظر گرفته شود. روشی که درنهایت به جذب عموم مردم جامعه به تاریخ بینجامد.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چه ضرورتی دارد تاریخ، اجتماعی‌سازی شود. در پاسخ باید گفت اگر تاریخ‌نگاری به‌دلیل جامعیت و در برداشتن ابعاد همه جانبه کارکردهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ادبی و هنری، آینه تمام‌نمای جامعه دانسته شود، بهتر می‌توان به اهمیت این امر، پی برد.

تاریخ تاریخ‌نگاری ایران، نشان می‌دهد که به‌طور عمده متون تاریخی به‌نحوی نگاشته می‌شدند که تنها برای گروه خاصی از مردم جامعه استفاده می‌شد و عموم مردم از آن بهره‌ای نمی‌بردند و چه بسا خود را بی‌نیاز از فراگیری آن می‌پنداشتند. سبک نوشتاری کتاب‌های تاریخی تا پیش از مشروطه نیز حکایت از میزان سواد و برخورداری از فضایل ادبی و هنری نویسنده داشت. به‌همین دلیل، نویسندگان، نهایت تلاش خود را به کار می‌بردند تا متنی زیبا و آراسته بنویسند تا جایی که گاهی فهم و درک محتوا را نیز تحت‌الشعاع لفظ قرار می‌دادند. البته شدت و ضعف این مسئله در ادوار مختلف و در دید تاریخ‌نگاران، به یک میزان نبوده است. همچنین در دسترس نبودن تواریخ برای عامه مردم نیز، تنها به‌دلیل سبک نگارشی نبوده و علل دیگری هم در این زمینه دخالت داشته‌اند. «کنترل و تسلط دولت‌ها در کنار زیرساخت‌های

نظری و افق فکری مورخان که اساساً شأنی برای جامعه و مردم به‌عنوان موضوع تاریخ قائل نبودند، نیز عاملی در جهت محدودسازی تاریخ برای مخاطب خاص، به شمار می‌رود» (حضرتی، ۱۳۸۱: ۹۰-۹۱).

بعد از انقلاب مشروطه و به‌ویژه در دوره پهلوی، تحولاتی در عرصه تاریخ‌نگاری رخ داد که البته بی‌تأثیر از تحولات سیاسی- اجتماعی جهان نبود. لزوم کسب معرفت تاریخی عامه مردم و به‌صحنه آمدن آنها در جوامع مختلف، به‌مثابه نیاز روزافزونی بود که ضرورت آن در ایران نیز درک شده بود. درحقیقت برای آموزش افکار، اندیشه‌ها و ارزش‌های خاص به‌عامه مردم، تاریخ باید در قالب‌هایی ارائه و عرضه می‌شد که فهم آن ساده، شیرین و جذاب باشد. هرچند بسیاری از این روش‌ها و قالب‌های غیرمتعارف، از دیدگاه محققان تاریخ، سندیت و اعتبار مورد انتظار را ندارد، اما مزایای اجتماعی‌سازی تاریخ، ارزش تأمل و مطالعه در این باب را به محقق می‌دهد.

به‌این ترتیب در راستای ارتقاء سطح شهروندی باید سنگ بنای گفت‌وگوی اجتماعی در عرصه تاریخ را باز کرد و به دنبال فراهم کردن زمینه‌ها و ابزارهایی بود تا بتوان روند انتقال مفاهیم را به‌نحوی گیراتر انجام داد. به‌بیانی دیگر اهمیت و جایگاه علم تاریخ این ضرورت را ایجاب می‌کند که علم تاریخ و آموزش آن در سطوح مختلف و با شیوه‌های متنوع در اقشار مختلف جامعه فراگیر شود (نوذری، ۱۳۸۴: ۱۷۲). پس بدیهی است نادیده‌گرفتن این ضرورت می‌تواند به یک معضل علمی-اجتماعی تبدیل شده که تاریخ را به گوشه‌انزوا کشانده و جوانان و نوجوانان را به‌عنوان حاملان و انتقال‌دهندگان تجارب به نسل‌های بعد، کمتر به سمت و سوی مطالعات تاریخی سوق داده است. متعاقب دریافت این نیاز و ضرورت، روش‌ها و سازوکارهای گوناگون مورخان می‌تواند در سرلوحه اقدام قرار گیرد.

در میان فرایند اجتماعی‌سازی تاریخ، استفاده از ابزارهایی که از یک‌سو برای عموم مردم جذابیت داشته و از سوی دیگر قابلیت انتقال مفاهیم تاریخی مبنایی را داشته باشد، می‌تواند بسیار مفید و بااهمیت باشد. ازجمله این ابزارها می‌توان به ارائه تاریخ در قالب کتب تاریخی در ژانر داستانی، داستان‌های کوتاه فیلم، انیمیشن و... اشاره کرد. در این میان تاریخ جایگزین به‌عنوان گونه‌ای از تاریخ‌نگاری غیرمتعارف و غیررسمی، ضمن آنکه توانایی و قابلیت گنجایش در تمام قالب‌های ذکر شده را دارد می‌تواند جاذب مخاطبان از طبقات مختلف جامعه باشد. همچنین می‌تواند فراتر از تاریخ‌نگاری برای مخاطب عام، در نظر گرفته شده و همچون یک تکنیک علمی، دغدغه ذهنی مخاطبان خاص را نیز پاسخ‌گو باشد.

با مروری بر ادبیات تاریخ غیرمتعارف نمی‌توان انکار کرد که تاریخ جایگزین، مملو از

داستان‌ها و ماجراهایی است که به‌طور کلی بر پایه حدس و گمان و تخیل، خلق و پرورش می‌یابند. هرچند در آفرینش آن کم‌وبیش از اصول و معادلات علمی نیز می‌توان بهره برد. بدیهی است به چالش کشیده‌شدن این گونه ادبی در عرصه تاریخ‌نگاری، از سوی منتقدان به رویکرد نویسنده و نوع نگاه وی به پدیده‌های تاریخی و متعاقب آن سبک و شیوه نگارش تاریخ برمی‌گردد.

یکی از کارکردهای این سبک تاریخ‌پردازی که می‌تواند وجهه منفی به خود بگیرد، این واقعیت است که داستان‌های تولیدشده در این ژانر می‌تواند مانند جرقه‌ای، آتش برخی اختلافات سیاسی را روشن کرده یا موج مخالفت و ناآرامی اجتماعی را به دنبال داشته‌باشد.^۱ مورخان آکادمیک نیز که دغدغه حفظ نص صریح تاریخ را دارند و معتقدند که بسط گستره حوزه‌هایی مانند تاریخ جایگزین منجر به مخاطره‌افتادن اصل تاریخ در اذهان عموم مردم می‌شود، می‌توانند در گروه منتقدان تاریخ جایگزین قرار گیرند. البته این دغدغه، منطقی به نظر می‌رسد و در صورتی که آثار تاریخ جایگزین از خطوط قرمز تعریف شده خود تخطی کند، ممکن است اثرات مخربی داشته باشد. این مسئله در حوزه آسیب‌شناسی ژانر تاریخ جایگزین می‌تواند بررسی شود و باید برای پیشگیری از آن راهکارهایی اندیشیده شود.

دلیل دیگر مخالفت برخی از مورخان با آثار تاریخ جایگزین این است که تاریخ و مورخان می‌توانند ماهیتاً اطلاعاتی را که از محل آثار تاریخ جایگزین به دست می‌آید، از روش‌های ساده‌تر دیگر به دست آورند و لزومی به ظهور آثار تاریخ جایگزین به‌عنوان یک روش تاریخ‌نگاری نمی‌بینند (Maar, 2014:93).

ازطرفی دیگر به دنبال تحولاتی که از قرن بیست به این سو در زمینه نگارش و نگرش تاریخ و نیز تاریخی‌سازی فرهنگی رخ داده و اصالت نگارش تاریخ از سوی گروهی از نویسندگان به چالش کشیده شده است، گونه‌های نوین تاریخ‌نگاری از قبیل نگارش تاریخ در قالب رمان و داستان، تاریخ‌های اجتماعی بدون در نظر گرفتن محوریت سیاسی و نیز تاریخ جایگزین، مجالی برای دیده‌شدن، یافته‌اند.^۲

۱. شبکه HBO در سال ۲۰۱۷ اعلام کرد که پروژه سریالی به نام Confederate را آغاز خواهد کرد که در آن، ارتش کنفدراسیون در جنگ داخلی پیروز می‌شود. اعلام این خبر با چنان موج مخالفتی در بین مردم و فضای مجازی مواجه شد که شبکه از تولید آن صرف‌نظر کرد.

<https://psmag.com/social-justice/its-a-split-history>

۲. در حقیقت با ظهور پست‌مدرنیسم و بنیان‌های هنجارشکن و چالش‌برانگیز آن در خصوص نبود عینیت محض دانش در جهان و تأکید آن بر نقش ذهنیت‌گرایی و داستان‌سرایی در تاریخ‌نگاری، نقش داستان‌های تاریخ جایگزین در تاریخ پررنگ‌تر شد. زاگورین (Zagorin) به‌عنوان یک تاریخ‌دان پست‌مدرن می‌گوید: «داستان‌های

پیرو همین تحولات بینشی بود که نظریه‌پردازانی مانند رونالد بارتز^۱، هیدن وایت^۲ و پل ریکور^۳، کار مورخ را بیشتر یک فعالیت ادبی دانسته‌اند تا یک کار علمی. از نظر آنها، مورخ درخصوص حقیقت رخدادهای تاریخی، تنها به تعداد محدودی متون پراکنده دسترسی دارد، بنابراین تاریخی هم که از وی صادر و نوشته می‌شود، قادر نخواهد بود در پاسخ به سؤال: «وقایع تاریخی واقعاً چگونه رخ داده‌اند؟» جواب کاملی بدهد، چراکه این مورخ است که از متون، معنا را استخراج می‌کند، به آنها شکل روایت می‌دهد که ما به آن داستان، «تاریخ» می‌گوییم (Wislicz, 2015:4). برخی دیگر نیز معتقدند که کار مورخ شبیه نویسنده ادبی است که با استفاده از اصول نوشتاری و هنری خود، مطالب را درکنار هم جورچین می‌کند. تنها تفاوت موجود با نویسنده ادبی این است که او براساس یک سلسله واقعیات در دسترس می‌نویسد، ولی نویسنده ادبی از تخیلات کمک می‌گیرد (Hellekson, 2001:2-5).

از سویی دیگر، دو چشم‌انداز از سوی مورخان در رابطه با این روش مورد توجه قرار گرفته است؛ اول مورخانی که به دنبال راهکارهای تغییر شرایط زمان حال بوده‌اند و درحقیقت دیدی انتقادی از «زمان حال» داشته‌اند: زمانی که اوضاع جامعه خوب نیست و قصد نویسنده ایجاد انگیزه و چشم‌انداز مثبت در جامعه است، روایت‌های تاریخ جایگزین در قالب سناریو اذهان را به سویی می‌برد که اوضاع چقدر می‌توانست بدتر باشد یا اگر فلان اتفاق نمی‌افتاد یا به صورت دیگری رقم می‌خورد یا بالعکس در سناریوهای فانتزی، اتفاقات گذشته‌ای بس مطلوب‌تر از تاریخ واقعی را به تصویر می‌کشند تا نارضایتی خود را از شرایط موجود نشان دهند (Rosenfeld, 2002:90). گروهی دیگر در پی اثبات ثبات و برتری شرایط موجود در مقابل شرایطی متغیر و نه چندان قابل اعتماد آینده هستند. گروه دوم درواقع خواهان حفظ شرایط موجود کم‌وبیش در قالب مصادره گذشته هستند. اینان محافظه‌کارانی هستند که نه تنها آینده را کابوس می‌دانند بلکه به گذشته و روند آن امیدوارند: برای حفظ حال می‌کوشند و از آینده در هراسند (نورائی، ۱۳۹۲).

پیشینه تاریخ جایگزین و طبقه‌بندی آن

درخصوص پیشینه این ژانر ادبی - تاریخی، یانگ معتقد است که قدیمی‌ترین آثار تاریخ

تخیلی زائیده ذهن نویسنده و داستان‌هایی که تاریخ‌دانان می‌گویند، از لحاظ بسیاری از اصول، تفاوتی با هم ندارند. چراکه هر دو به یک زبان ساخته شده و به یک میزان تحت تأثیر قوانین نگاشته‌های تاریخی در خصوص بلاغت و معنا و ساختار و ایجاد داستان هستند. (Schneider-Mayerson, 2009:66-67)

1. Ronal Barths
2. Hayden White
3. Paul Ricoeur (1913-2005)

جایگزین، به سال‌های دهه ۱۹۳۰ باز می‌گردد (Winthrop-Young, 2009:109). در قرن نوزدهم تعدادی آثار پراکنده با تکنیک تاریخ جایگزین خلق شد و در قرن بیست و به‌خصوص در دوره جنگ دوم جهانی به اوج رسید. درحقیقت جنگ دوم جهانی به گسترش این سبک کمک شایانی کرد. زیرا یکی از تکنیک‌هایی که نویسندگان می‌توانستند از طریق آن تصویری از جهان هولناک پس از پیروزی هیتلر را به مردم منتقل کرده و آنها را به دفاع از کشورشان ترغیب کنند، سازوکار تاریخ جایگزین بود. سرآمد این آثار، اثر ساکن برج بلند^۱ است که شرایطی را توصیف می‌کند که ایالات متحده توسط نازی‌ها اداره می‌شود! دیگر آثار از این دست در اواخر قرن بیستم، کتاب جمهوری ناشناخته اثر سیلز و کلودز^۲ در سال ۱۹۷۱ بود که در یکی از فصول خود، شرایط انقلاب کبیر فرانسه را با لویی شانزدهمی قوی‌تر، توصیف می‌کند (Schmunk, 2016, 2017/5/18).

گذشته از نمونه‌های مستندات تلویزیونی، رمان‌های متعددی با دستمایه قرارداد تکنیک و ژانر تاریخ جایگزین، به بازار ادبیات داستانی غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، وارد شده است. بدین ترتیب می‌توان گفت در زمان کنونی، تاریخ جایگزین، به واسطه انفجار پیشرفت تکنولوژی و جذابیت ذاتی این سبک، جایگاه خود را در فرهنگ عمومی جامعه غرب پیدا کرده و به‌نوعی، جزئی از فرهنگ اجتماعی غرب به‌ویژه جامعه آمریکایی شده است.^۳ اما دلیل ورود این موج روزافزون از «چه می‌شد اگر»ها در فرهنگ عامه آمریکا چیست؟ اولین عامل می‌تواند جذابیت فضای رسانه‌ای این داستان‌ها در سطوح مختلف اجتماع باشد. این جذابیت و اقبال عمومی به حدی است که برخی، دوران کنونی را دوران طلایی، هم برای تاریخ جایگزین و هم برای تلویزیون در آمریکا می‌دانند. دلیل دیگر نیز می‌تواند فضای انتقادی شدید موجود در جامعه باشد. «تاریخ جایگزین در دوران تغییرات سریع و نامطمئن در جامعه شکوفا می‌شود.» (Rosenfeld, 2019)

جورج اشمیت در حوزه تاریخ موازی بر دقت بسیار در انتخاب واقعه تاریخی مدنظر در روایت تاریخ جایگزین، تأکید دارد و معتقد است پرسش‌هایی که در ظاهر، معنای کاملاً آشکاری دارند ممکن است هنگام مطرح شدن در قالب روایت تاریخ جایگزین چقدر

1. The Man in the High Castle.

2. Delislede Sales & Jean Baptiste Clouds.

3. Nisi Shawl, 6 stories, (<http://www.uchronia.net/label/shaweverfa.html#5>)
Christopher Brown, 4 stories, (<http://www.uchronia.net/label/browtropic.html>)
Orson Scott Card, 3 stories, (<http://www.uchronia.net/label/cardalvinm.html#08>)
Eric Flint, 15 stories, (<http://www.uchronia.net/label/flinassiti.html#303>)
Kim Newman, 17 stories, (<http://www.uchronia.net/label/flinassiti.html#303>)
And many more in (<http://www.uchronia.net/bib.cgi/search.html?id=Published>)

چالش‌برانگیز باشند (Schmid, 2009:78).

در ادامه می‌توان به پاره‌ای گروه‌بندی‌های موضوعی و موضعی با توجه به ابعاد و زوایای بررسی شده در آنها در عرصه موضوع‌یابی برای روایت تاریخ جایگزین پرداخت. گونه‌هایی به شرح ذیل قابل توجه ویژه هستند:

- تاریخ سیاسی و نظامی

- تاریخ اجتماعی

- تاریخ اقتصادی

البته موارد بالا تا حدودی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. به‌عنوان مثال در حوزه تاریخ جایگزین سیاسی، خالق اثر، یک واقعه مهم سیاسی را دست‌مایه کار خود قرار می‌دهد. ازجمله این وقایع که کم هم نیستند، می‌توان به جنگ اول و دوم جهانی در تاریخ جهان و حمله اسکندر یا افغانه یا اعراب به ایران، در تاریخ ایران اشاره کرد. چنان‌که در دنیای امروزی نیز مصادیق فراوانی برای آن قابل ذکر است؛ حمله عراق به ایران یا ورود بازیگران تأثیرگذار به عرصه سیاست جهانی مانند ظهور داعش در قرن ۲۱، نمونه‌هایی از نقاط عطف پیشنهادی است که در تاریخ‌های جایگزین می‌تواند مبدأ و مبنای روایت قرار گیرند. در این موارد با وجود آنکه نقطه عطف در نظر گرفته شده، وجهه سیاسی نظامی دارد اما درخلال روایت، لزوماً به برخی تغییرات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی نیز پرداخته می‌شود.

در کنار تاریخ‌های جایگزین سیاسی، تواریخ جایگزینی با صبغه اجتماعی پدید آمده‌اند که این فقره از جهاتی بهتر می‌تواند نظر مخاطب عام را به خود جلب کرده و آنها را با خود همراه کند. یکی از علل مهم این امر، آن است که این‌گونه آثار و مطالب بیان شده در آن، بی‌شک برای اقشار مختلف مردم، ملموس‌تر بوده و به‌دلیل حضور پررنگ‌تر وقایع آن در زندگی روزانه و اجتماعی مردم، آنها درک بالاتری از مطالب داشته و در نتیجه تعامل بهتری نیز با آن برقرار خواهند کرد. البته گستردگی حوزه اجتماعی نیز در این راستا بی‌تأثیر نبوده است؛ چراکه جای گرفتن موضوعات مختلف فرهنگی، هنری، ورزشی یا علمی در زیرمجموعه تاریخ اجتماعی، وسعت این حوزه و نقاط تلاقی آن با زندگی عموم مردم را افزایش داده است. ازجمله نمونه‌های مهم در این گستره، می‌توان به ورود سینما یا تلویزیون و رایانه به عرصه زندگی بشر، اختراع صنعت چاپ یا اولین دوره بازی‌های المپیک اشاره کرد. به‌عنوان مثال هارشیت^۱، مدرس مؤسسه هنری طراحی^۲ در هند، در مقاله‌ای به بررسی تاریخ طراحی و سپس نقل تاریخ‌های طراحی جایگزین پرداخته است (Harshit, 2015:abstract). خلق اثر در این حوزه،

1. Harshit
2. Design

ورای اینکه هدف پدیدآورنده از ایجاد آن چیست، نیازمند اطلاعات قوی خالق اثر از جزئیات حوزه مورد بحث و همچنین از کلیات شرایط اجتماعی منطقه یا مناطقی است که درخصوص آن دست به قلم می‌برد.

گونه دیگر تاریخ جایگزین، رویکرد اقتصادی در مقوله تاریخ است. علت اینکه تاریخ جایگزین اقتصادی در این تقسیم‌بندی جدا شده است، تأثیر انکارناپذیر برخی وقایع اقتصادی بر حیات اجتماعی یک کشور یا کشورهای مختلف است. گرچه ممکن است شدت و ارتعاش اثر وقایع مهم اقتصادی به اندازه وقایع سیاسی یا جنگ‌ها نباشد، ولی در بسیاری از مواقع کمتر از آنها نیست. درحقیقت یک رخداد اقتصادی، می‌تواند حامل تحولات سیاسی و اجتماعی بزرگی باشد. چه بسا جنگ‌هایی که به دلیل اختلافات اقتصادی، فقر یا اختلاف طبقات اجتماعی رخ داده باشد. برای نمونه یلنا اسپریسر^۱ در مقاله‌ای به بررسی واقعه‌ای درخصوص کاپیتالیسم به روش تاریخ جایگزین می‌پردازد. وی در این مقاله، بیان می‌کند تصور پایان دنیا بسیار آسان‌تر از تصور پایان نظام سرمایه‌داری است (Spreicer, 2014:abstract).

از زاویه‌ای دیگر، با توجه به نوع ارائه تاریخ جایگزین، تقسیم‌بندی متفاوتی برای آن مطرح می‌شود:

- نگارش کتب رمانی به سبک تاریخ جایگزین.^۲
 - فیلم نامه نویسی برای فیلم‌های سینمایی یا سریال تهیه شده با تکنیک تاریخ جایگزین.
 - بازی‌های رایانه‌ای.
 - طراحی بازی‌های فکری برای کودکان و نوجوانان.
 - مستند سازی‌های مجازی.
- همین تنوع شکل و قالب‌های قابل استفاده و بهره‌برداری برای تاریخ جایگزین، یکی از علل ارتقا و گسترش قابلیت آن در ارائه نوعی از گذشته‌نگاری با ویژگی همگانی‌سازی تاریخ خواهد بود.

1. Jelena Spreicer, postdoctoral researcher, University of Zagreb, Faculty of Humanities and Social Sciences, Department for German Studies, Research project "Post-imperial Narratives in Central European Literatures of the Modern Period".

۲. برخی رمان‌های تاریخی به گونه تاریخ جایگزین تألیف شده‌اند. در حالی که ممکن است رمانی تاریخی بدون توجه به رویکرد تاریخ جایگزین به نگارش درآید. از طرف دیگر تاریخ جایگزین، هم می‌تواند در قالب رمان تاریخی تجلی یابد و هم به گونه‌های دیگری از قبیل فیلم، انیمیشن و جز آن. پس نمی‌توان هیچ یک از این دو را زیرمجموعه دیگری دانست. درحقیقت به این دو باید به‌مثابه دو سبک مستقل در تاریخ‌نگاری نگاه شود که البته گاهی نیز با هم هم‌پوشانی و تداخل پیدا می‌کنند.

تاریخ جایگزین و اجتماعی‌سازی تاریخ

به‌رغم پیشینه‌ی نه‌چندان طولانی تاریخ جایگزین و جوان‌بودن این شاخه‌ی تاریخ‌پردازی، کارکردها و قابلیت‌های آن بر صاحبان این فن و دامنه‌ی خوانندگان وسیع آن آشکار شده است. تاریخ جایگزین از یک‌سو تعقل، تخیل و ابتکار اجتماعی را ارتقا می‌دهد و از سوی دیگر، به مدد همین توانایی‌ها، می‌تواند به دلهره‌ها، امیدها و آرزوهای یک جامعه، جامه‌ی ترسیم ببوشاند. درحقیقت این شیوه‌ی گذشته‌نگاری می‌تواند اشکال نوینی از واقعیت‌های اجتماعی را نشان دهد و در عمق بخشیدن به قابلیت‌های موجود و بالقوه به‌عنوان حوزه‌ی درک گذشته، مفیدباشد (نورائی، ۱۳۹۲).

یکی دیگر از کارکردهای قابل تأمل تاریخ جایگزین، استفاده از آن به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به تفکرات تاریخی و اجتماعی جامعه است. گیدو شنکل^۱، در رساله‌ی دکتری خود، به بررسی داستان‌های تاریخ جایگزین رایش سوم پادشاه آلمان، از دیدگاه تئوری حافظه‌پرداخته است. وی معتقد است داستان‌های تاریخ جایگزین، ذاتاً حال‌گرا هستند. بدان معنا که سوال اصلی آنها «چه می‌شد اگر...؟» (که در نتیجه‌ی این اگرها می‌توانست شرایط مطلوب‌تری در انتظار باشد؟) خود می‌تواند خوراک حافظه‌ی عمومی مردم را به‌گونه‌ای تامین نماید که بازتابی از شرایط سیاسی و اجتماعی معاصر باشد. به‌علاوه اینکه روایت‌های داستانی تاریخ جایگزین می‌توانند نقش نوعی ضدخاطره را ایفا کنند تا جایی که داستان انحرافی، خود برای پررنگ کردن وقایع تاریخی حاشیه‌ای استفاده شود (Schenkel, 2012:ii). به‌این ترتیب با بهره‌گیری از این تکنیک می‌توان بخش‌های گزینش شده‌ای از تاریخ را در حافظه‌ی عامه‌ی مردم نهادینه کرد. ضمن آنکه شکل‌دهی و تقویت حافظه‌ی تاریخی جامعه که بااستمداد از این شیوه می‌توان بدان دست یافت، احتمال پیشرفت بزرگی در زمینه‌ی تاریخ و تاریخ‌نگاری را فراهم می‌آورد که به نوبه‌ی خود بر سیاست، علم، فرهنگ و اجتماع اثرگذار خواهد بود.

پیرو همین بحث، توانایی و کارایی دیگر تاریخ جایگزین که رفته‌رفته اهمیت آن در عرصه‌ی علم و اجتماع، آشکارتر می‌شود، قابلیت آن در اجتماعی‌سازی تاریخ است. عدم برقراری ارتباط مطلوب مخاطبان و به ویژه عامه‌ی مردم با تاریخ که تا حدودی به دلیل نامأنوس یا ثقیل بودن متون تاریخی بوده، دلیلی بر ضعف اجتماعی‌سازی تاریخ در جامعه است. تاریخ جایگزین با «همگانی کردن تاریخ، افزایش کارکردهای تاریخ در حوزه‌های عقلانیت، اخلاق و شهروندی» (نورائی، ۱۳۹۲) خدمت شایانی به گسترش علم تاریخ در جامعه و بهره‌گیری از آن در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کرده است. نمی‌توان انکار کرد

تاریخ‌نگاری رسمی، حاوی کاستی‌هایی است که طبیعتاً می‌بایست به طرق دیگر اصلاح شود. تحقیقاتی انجام شده که بر سنگینی یا عدم رسایی دروس کتب تاریخ و عدم توفیق کلی روش‌های آموزش تاریخ در محیط‌های آموزشی دلالت دارند (سالاری، ۱۳۸۹، نوروزی، ۱۳۸۳). شاید در نتیجه این ارزیابی‌ها بتوان گفت حداقل زبان گفت‌وگو در تاریخ‌نگاری رسمی زبان همه‌کس فهم نبوده است.

بدین شکل، نیاز اندیشیدن به روش‌های تکمیلی جهت تحریک ذائقه عمومی به تاریخ، نیازی اساسی به نظر می‌رسد و چنان‌که اشاره شد، تاریخ جایگزین می‌تواند یکی از گزینه‌های مناسب در این راستا به‌عنوان دستمایه‌ای برای ایجاد جذابیت تاریخ در میان عموم مردم به‌عنوان تکمله‌ای بر روش‌های پیشین استفاده شود.

در راستای چنین دیدگاهی است که گروهی از مورخان، تاریخ جایگزین را به‌مثابه خونی تازه در رگ‌های تاریخ‌نگاری می‌دانند (McPherson, 2003) که چون نقبی بر تعبیرات و برداشت‌های پیشین انجام شده بر رخداد‌های تاریخی به شمار می‌آید. ویزلیک معتقد است، داستان‌های برآمده از روش تاریخ جایگزین به‌طور ذاتی تناقض یا رقابتی با تاریخ‌نگاری علمی ندارند، ولی آنچه مهم است این است که این روایت‌های متفاوت می‌توانند عموم مردم را درخصوص اینکه تاریخ واقعاً باید به چه بپردازد و چگونه نوشته شود، آگاه و قانع کنند (Wislicz, 2015:7)، روزنفیلد نیز بر آن است: «با مطالعه جوانب آنچه هرگز اتفاق نیفتاده است، می‌توان آنچه واقعاً رخ داده است را بهتر درک کرد» (Rosenfeld, 2002:90).

گاهی تغییر و ترقیق یا تغلیظ وقایع، نتایجی ملایم‌تر و آرمان‌گرایانه‌تر به دست می‌دهد که سوژه‌های مقبول و عام‌پسندی برای نگارش رمان‌های تاریخی و سناریوها و فیلم‌نامه‌های تاریخی خواهد بود. به‌بیان‌دیگر، گاهی حقایق تاریخی آن‌چنان عامه مردم را آزار می‌دهد که بیراه‌رفتن از مسیر واقعی تاریخ می‌تواند آرامشی لذت‌بخش‌تر برای آنان به همراه داشته باشد. چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، این آرامش می‌تواند محصول این نتیجه باشد که بهتر از شرایط کنونی امکان رخ‌دادن وجود نداشت یا برعکس، ترسیم دنیایی آرمانی و زیباتر از آنچه هست، آنان را اندکی از دغدغه‌ها و ناملایمات زندگی کنونی دور کند.

اما قابلیت دیگر تاریخ جایگزین که به‌ویژه می‌تواند در حیطه فرهنگ اجتماعی، کاربرد داشته باشد، تنوع شکل و قالب ارائه تاریخ است که پیشتر به آن اشاره شد. به‌این ترتیب، تاریخ جایگزین به‌عنوان یکی از روش‌ها و تکنیک‌های همگانی‌سازی تاریخ، توانایی آن را دارد تا یکی از جذاب‌ترین کانال‌های نگارش مکتوب و غیرمکتوب تاریخ باشد. چالش اصلی استفاده از این روش، احتمال عبور از خط قرمزها و احتمال تحریف‌شدن، به معنای افزودن یا حذف یا

کم رنگ ماندن، بخش‌هایی از تاریخ است. در واکنش به این پدیده، از نقطه‌نظر زاویه‌نگرش، دو دیدگاه مفروض است؛ اول دیدگاه ایدئال‌گرایانه و دیگری دیدگاه لیبرال و هدف‌گراست. دیدگاه اول، اصل و سندیت تاریخ را به هیچ‌عنوان فدای ایجاد جذابیت و در نتیجه انتقال مفاهیم ناقص و نادرست به مخاطب نمی‌کند. معتقدان به این دیدگاه، اغلب مورخان و اساتید و متخصصان تاریخی هستند که به جزئیات تاریخ اشراف داشته و همه‌جزئیات را برای کلیت تاریخ لازم و مهم می‌دانند.

از دیدگاه لیبرالیستی، در شرایطی که تاریخ‌گزینی و حتی فراتر از آن، انزجار از مطالعه تاریخ، در بین اقشار مختلف جامعه، خصوصاً قشر جوان، رو به افزایش است، کمی اغماض و تسامح، جایز به نظر می‌رسد. به عبارتی، جزء را فدای کل کردن، مجاز است. بدان معنا که زمانی که اثری تولید می‌شود، در صورتی که نویسنده یا سازنده یا تولیدکننده اثر تاریخی، به هدف ایجاد جذابیت و در نتیجه انتقال مطلوب مطلب، مجبور باشد به خلق برخی عناصر فرعی بپردازد، اشکالی ندارد. گرچه آثار تاریخ جایگزین با توجه به اینکه به ترسیم و توصیف شرایطی به موازات وقایع تاریخ واقعی می‌پردازند، به نوعی وضعیت متفاوتی داشته و صاحبان آثاری این‌چنین، گاه ادعاهایی دیگر دارند برای نمونه برخی مانند مارسینیاک برآنند که اصولاً چنین روایت‌هایی از واقعیت جدا نبوده و برعکس به ما کمک می‌کنند تاریخ خود را شفاف‌تر دیده و درک کنیم؛ چراکه این داستان‌ها، مشکلات واقعی دوران ما و شرایط جهان ما را به‌خوبی منعکس می‌کنند (Marciniak, 2015:21).

به طور خلاصه در باب رابطه تاریخ جایگزین به‌عنوان یکی از روش‌های همگانی‌سازی تاریخ در راستای اجتماعی‌سازی آن، می‌توان گفت به منظور کاهش دافعه نسبی متون رسمی تاریخی در رده‌های سنی مختلف و نیز ایجاد جذابیت مطالب تاریخی برای عموم مردم جامعه، می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده نمود که برخی از آنها عبارتند از:

۱. آموزش روش تدریس با استفاده از تکنیک تاریخ جایگزین به دبیران و مدرسان تاریخ در سطوح مختلف آموزشی؛
۲. نگارش رمان‌های تاریخی هدفمند به سبک تاریخ جایگزین؛
۳. استفاده از فضای مجازی و تولید محتواهای کوتاه تاریخی به روش تاریخ جایگزین؛
۴. تولید محصولات رسانه‌ای در سینما و تلویزیون و رادیو با تکنیک‌ها و روش تاریخ جایگزین؛
۵. تولید بازی‌های حرفه‌ای رایانه‌ای تاریخی با هدف آموزش تاریخ با استفاده از روش تاریخ جایگزین.

اما آنچه مسلم است، در همهٔ مجراهای بالا، به‌خصوص محیط‌های آموزشی و نگارش رمان، اشراف کامل پدیدآورندهٔ اثر بر ابعاد مطلب بحث‌شده، لازم و ضروری است. معلم یا مدرسی که قصد دارد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را به‌گونه‌ای با جزئیات به دانش‌آموزان یا دانشجویان منتقل کند که بتوانند با آن ارتباط برقرار کرده و آن را نه به‌عنوان یک درس اجباری بلکه به‌عنوان فهم روایتی اثرگذار بر سرنوشت کشور، دریابند، چاره‌ای ندارد جز اینکه با مطالعهٔ زیاد روی مطلب و اشراف به ابعاد مختلف اجتماعی و سیاسی آن، خود را برای هر سؤالی آماده کند. البته ضمن استفاده از تاریخ جایگزین، استفاده از دیگر تکنیک‌های ترغیبی و شرکت دادن دانش‌آموزان یا دانشجویان در مباحث در قالب پروژه‌ها و... نیز می‌تواند مفید باشد. اگر کودتا شکست خورده و مصدق ابقا می‌شد، سرنوشت کشور حداقل برای دو دهه بعد چگونه بود؟ جهان بر مدار تعمیم‌های فرضی، بهتر مسیر توسعهٔ همه‌جانبه را تجربه کرده است.

نتیجه

ژانر تاریخ جایگزین به‌عنوان یک شیوه و سبک تاریخ‌پردازی، در قرن گذشته مورد توجه محققان و نویسندگان قرار گرفته است. در یک تعریف ساده می‌توان گفت تاریخ جایگزین، روایتی است که در آن خالق اثر، یک یا چند واقعهٔ مربوط به گذشته را به‌عنوان نقطهٔ عطف، در نظر گرفته و با تغییر آن و سپس تغییر نتایج مترتب از آن حادثهٔ تغییر یافته، به ترسیم دنیایی متفاوت با آنچه رخ داده، می‌پردازد و جهان بعد از آن حادثه را به چالش می‌کشد. این تکنیک با پرسش «چه می‌شد اگر...؟» ذهن خمود و کسل‌شدهٔ مخاطب را باز و فعال کرده و با تحریک و ترغیب وی، او را برای ادامهٔ مطالعه و پی‌گیری تاریخ همراه می‌کند. به‌این ترتیب تاریخ جایگزین به‌مثابهٔ یکی از روش‌های همگانی‌سازی در مسیر فرایند اجتماعی‌سازی تاریخ در سطوح مختلف، موضوعی درخور اهمیت است. درواقع برای انتقال افکار، اندیشه‌ها و ارزش‌های خاص زمان گذشته به عموم مردم یک جامعه، تاریخ باید در قالب‌هایی ارائه و عرضه شود که فهم آن ساده، شیرین و جذاب باشد. چنان‌که اشاره شد، تاریخ جایگزین با این شاخصه‌ها، گزینهٔ مناسبی در این زمینه خواهد بود. با وجود آنکه آثار بسیاری وجود دارند که در نگاه اول ممکن است با تاریخ جایگزین مشتبه شوند، اما چند ویژگی اصلی می‌توان برای آن قائل شد که تعیین‌کنندهٔ حدود و مرزهای تاریخ جایگزین بوده و محدودهٔ آن را از آثار مشابه جدا می‌کند: ۱. رخدادی که به‌عنوان نقطهٔ عطف در نظر گرفته می‌شود، بدون‌شک باید بزرگ، واقعی و تأثیرگذار باشد. ۲. تغییر و دگرگونی آگاهانه باشد. ۳. روایت اصلی باید

بررسی و تحلیل وقایع پس از رویداد (نقطه عطف) باشد. ۴. خط قرمز علمی، که همانا ارائه نمونه‌ای تغییر یافته از تاریخ تحت عنوان تاریخ واقعی است، را رد نکند، ۵. خالق اثر، بر رسالت اجتماعی خود به‌عنوان یکی از روش‌های همگانی‌سازی تاریخ در فرایند اجتماعی‌سازی آن، واقف باشد.

با توجه به نوع رویکرد تاریخ‌نگاری می‌توان تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای آن ارائه داد. طبقه‌بندی تاریخ‌نگاری به انواع سیاسی نظامی، اجتماعی و اقتصادی یکی از این طبقه‌بندی‌های پیشنهادی است که در آن خالق اثر، با توجه به دایره دانش و بینش خود، به تحلیل و بررسی وقایع می‌پردازد. در کنار حوزه دانش و معلومات خالق اثر، بدیهی است انتخاب نقطه عطف مناسب برای تاریخ‌نگاری و تحلیل رخدادها بعد از آن بستگی به هدف پدیدآورنده، علائق طیف مخاطبان و نیاز جامعه دارد. درباره اینکه چگونه می‌توان از تاریخ‌نگاری جهت‌گرای معرفتی تاریخ و اجتماعی‌سازی تاریخ بهره برد، باید گفت علاوه بر تنوع موضوعی که در آثار تاریخ‌نگاری شاهد آن هستیم، تنوع شکل و قالب‌های استفاده‌شده برای ارائه محتوای تاریخی نیز، دلیلی برای افزایش قابلیت و کارایی آن خواهد بود. استفاده از قالب‌هایی همچون رمان تاریخی، فیلم و سریال تاریخی، بازی‌های رایانه‌ای، نمایش‌هایی به سبک نقالی سنتی و جز آن، با رویکرد تاریخ‌نگاری، نمونه‌هایی از این تنوع سبک و قالب است و این البته خود، جذب مخاطب عام را نیز به همراه خواهد داشت. در نهایت باید گفت تاریخ‌نگاری به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دهی به تفکرات تاریخی و اجتماعی مردم یک جامعه، قابلیت بالایی داشته و می‌تواند با کمک آن بخش‌های گزینش شده‌ای از گذشته را در ذهن و حافظه تاریخی مردم بازنگاری و نهادینه کرد. بدین‌وسیله از یک طرف می‌توان آنان را به رضایتی ناگزیر، از شرایط حال، علاقمند کرد یا با ترسیم دنیایی آرمانی و زیباتر از آنچه هست، اندکی از دغدغه‌ها و ناملایمات جهان کنونی دور کرد. به نظر ضروری است که در تحقیقات آینده، زوایای مختلف این سبک غیر رسمی تاریخ‌پردازی، از جمله آسیب‌شناسی آن، کارکردهای منفی و مثبت تاریخ‌نگاری، پژوهش شود و بتوان از مزایای آن، در عرصه عمومی‌سازی تاریخ استفاده بهینه کرد.

کتاب‌شناخت

- حضرتی، حسن (۱۳۸۱) *تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، تهران: نقش جهان.
- سالاری، مریم (۱۳۸۹) «رغبت‌سنجی دانش‌آموزان مدارس راهنمایی سما نسبت به درس تاریخ در شهرستان کاشمر»، *رشد آموزش تاریخ*، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۲۱-۱۶.
- عادل، پرویز (۱۳۷۹) «سبک تاریخ‌نگاری دکتر زرین‌کوب؛ اهمیت و مشخصات» *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره ۳۵.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۴) «مورخان و مخاطبان ۲؛ ضرورت بازنگری در آموزش و انتقال مفاهیم، نظرها و کاربست‌های تاریخ» *مجله تاریخ معاصر ایران*، شماره ۳۵.
- نورائی، مرتضی (۱۳۹۲) «تاریخ جایگزین» سخنرانی، پژوهشکده تاریخ اسلام، تهران.
- نوروزی، جمشید (۱۳۸۳) «کتاب‌های درسی تاریخ از نگاه تعدادی از دانش‌آموزان» *رشد آموزش تاریخ*، شماره ۱۴، صص ۲۸-۲۱.

- Counterfactual History: A User's Guide. 2004. *American Historical Review*. 109:845-858.
- Becker, H.S, Casper, J. 1956. The development of identification with an occupation. *American Journal of Sociology*, 61, 289-98.
- Bemben, R. B, J. Jajszczok and J. Gajda. 2015. *Cryptohistories*, Cambridge Scholars Publishing
- Bucher, R, Stallings, J. 1977. *Becoming Professional*. London: Sage Publications.
- Clausen, J. A. 1968. *Socialization and Society*, Boston, Little Brown and Company
- Calsamiglia, H, T. A. Dijk. 2004. Popularization discourse and knowledge about the genome, *Discourse and Society*, Vol.15(4): 369-389.
- Harshit, P. D. 2015. *Histories of Design*, 10th European Academy of Design Conference - Crafting the Future
- Hellekson, K. 2001. *The Alternate History: Refiguring Historical Time*, Kent State University Press
- <https://www.collinsdictionary.com>
- <https://www.ldoceonline.com>
- Leeper, E. C. 2001. *Alternate History 101*. from <http://lepers.us/evelyn/ah101.htm>
- Maar, A. 2014. Possible Uses of Counterfactual Thought Experiments in History, *Principia: An International Journal of Epistemology*, Vol.18 (1): 87-113
- Macionis, J. J. 2013. *Sociology* (15th ed.). Boston, Pearson.
- Malcom, D, M. Loschnigg. M. Sokolowska-Paryz. 2014. The Great War Re-Remembered: Allohistory and Allohistorical Fiction, in book, *The Great War in Post-Memory Literature and Film*, Vol.18:171-186, Boston: DE GRUYTER
- Marciniak, K. 2015. *The Founder*, preface, For or Against the Master?, illustrated edition by lulu.com, 7-26
- McKnight Jr, E. V. 1994. *Alternative History: The Development of a Literary Genre*, PhD Dissertation, University of North Carolina, Chapel Hill
- McPherson, J. 2003. Revisionist Historians, *Perspectives on History*, The Newsmagazine of American Historical Association, 41(6), from www.historians.org/publications-and-directories/perspectives-onhistory/september-2003/revisionist-historians
- Perez Zagorin, 1999. History, the Referent, and Narrative: Reflections on Postmodernism Now, *History and Theory*, 38:1-24
- Rodwell, G. 2013. *Whose history: Engaging history students through historical fiction*, University of Adellaide press.
- Rosenfeld, G. 2002. Why Do We Ask "What If?" Reflections on the Function of Alternate History, *History and Theory*, 41(4):90-103
- Rosenfeld, G. 2019. Why alternate histories have overtaken pop culture, *Washingtonpost*,

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۰، شماره ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ / ۳۱۷

- from <https://www.washingtonpost.com/outlook/2019/02/20/why-alternate-histories-have-overtaken-pop-culture/>
- Schenkel, G. 2012. Alternate history - alternate memory: counterfactual literature in the context of German normalization, Ph.D. Dissertation, Faculty of graduate studies, The University of British Columbia, Vancouver
- Schmeink, L. 2009. Dystopia, Alternate History and the Posthuman in Bioshock, Current Objectives of Postgraduate American Studies, 10, from <http://copas.uni-regensburg.de/article/view/113/137>
- Schmid, G. 2009. Counterfactuals and futures histories: retrospective imagining as an auxiliary for the scenarios of expectance, Historical Research, 34(2):74-87
- Schmunk, R. B. 2017. from <http://uchronia.net/intro.html>, 1991-2017
- Schneider-Mayerson, M. 2009. What Almost Was: The Politics of the Contemporary Alternative History Novel, American Studies, 50(3/4):63-83
- Šimon, D. 2016. Alternate history novels - comparison of Harris's Fatherland and Dick's The Man in a High Castle, A Bachelor Thesis of Faculty of Education Charles University, Prague
- Spreicer, J. 2014. The Alternative History of Capitalism in HannesStein's Komet, An international Symposium, Zagreb, Faculty of Humanities and Social Sciences, 7-8 April 2017, from https://www.academia.edu/32363745/THE_ALTERNATIVE_HISTORY_OF_CAPITALISM_IN_HANNES_STEINS_DER
- Winthrop-Young, G. 2009. Fallacies and Thresholds, Historical Research, 34(2):99-117
- Wislicz, T. 2015. Almost-Histories, or Why some Tales of the Past Do Not Become Histories, published in book *Cryptohistories*, edited by Alicia Bembem, Rafal Boryslawski, Justyna Jajszczok and Jacob Gajda, Cambridge Scholars Publishing.



List of sources with English handwriting

Persian Source

- Ḥazratī, Ḥasan (1381 š), *Ta'amolātī dar 'Ime tāriḳ va tāriḳnegārī Islāmī*, Tehrān: Naqšejahān. [In Persian]
- Nowḍarī, Ḥoseynali (1384 š), "Movarekān va moḳātabān 2; zarurat-e bāznegari dar āmūzeš va enteḳāl-e mafāhim, naẓar-hā va kārbast-hāye tāriḳ", *Tāriḳ-e mo'āser-e Irān*, No. 35. [In Persian]
- Nowrūzī, Ĵamīd (1383 š), "Ketāb-hāye darsī-ye tāriḳ az negāh-e te'dādī az dāneš āmūzān", *Rošd-e āmūzeš-e tāriḳ*, No.14, pp. 21-28. [In Persian]
- Nūrāī, Morteżā (1392 š), *Tāriḳ-e jāygozīn*, Lecture in Pažūheškadeh tāriḳ-e eslām, Tehrān. [In Persian]
- Parvīz, 'ādel (1379 š), "Sabk-e tāriḳnegārī-ye doctor Zarīnkūb; ahamīyat va mošaḳašāt", *Ketāb-e māh-e tāriḳ va joḡrāfyā, šahrīvar-e 1379*, No. 35. [In Persian]
- Sālārī, Maryam (1389 š), "Reḡbat sanjī-ye dāneš āmūzān-e madāres-e rāhnāmā-ye samā nesbat beh dars-e tāriḳ dar šahrestān-e kāšmar", *Rošd-e āmūzeš-e tāriḳ*, Period 12, No.1, pp. 16-21. [In Persian]

English Source

- Becker, H.S, Casper, J. 1956. The development of identification with an occupation. *American Journal of Sociology*, 61, 289-98.
- Bemben, R. B, J. Jajsczok and J. Gajda. 2015. *Cryptohistories*, Cambridge Scholars Publishing
- Bucher, R, Stallings, J. 1977. *Becoming Professional*. London: Sage Publications.
- Calsamiglia, H, T. A. Dijk. 2004. Popularization discourse and knowledge about the genome, *Discourse and Society*, Vol.15(4): 369-389.
- Clausen, J. A. 1968. *Socialization and Society*, Boston, Little Brown and Company
- Counterfactual History: A User's Guide. 2004. *American Historical Review*. 109:845-858.
- Harshit, P. D. 2015. *Histories of Design*, 10th European Academy of Design Conference - Crafting the Future
- Hellekson, K. 2001. *The Alternate History: Refiguring Historical Time*, Kent State University Press
<https://www.collinsdictionary.com>
<https://www.ldoceonline.com>
- Leeper, E. C. 2001. *Alternate History 101*. from <http://leepers.us/evelyn/ah101.htm>
- Maar, A. 2014. Possible Uses of Counterfactual Thought Experiments in History, *Principia: An International Journal of Epistemology*, Vol.18 (1): 87-113
- Macionis, J. J. 2013. *Sociology* (15th ed.). Boston, Pearson.
- Malcom, D, M. Loschnigg. M. Sokolowska-Paryz. 2014. The Great War Re-Remembered: Allohitory and Allohistorical Fiction, in book, *The Great War in Post-Memory Literature and Film*, Vol.18:171-186, Boston: DE GRUYTER
- Marciniak, K. 2015. *The Founder*, preface, For or Against the Master, illustrated edition by lulu.com, 7-26
- McKnight Jr, E. V. 1994. *Alternative History: The Development of a Literary Genre*, PhD Dissertation, University of North Carolina, Chapel Hill
- McPherson, J. 2003. Revisionist Historians, *Perspectives on History*, The Newsmagazine of American Historical Association, 41(6), from www.historians.org/publications-and-directories/perspectives-on-history/september-2003/revisionist-historians
- Perez Zagorin, 1999. History, the Referent, and Narrative: Reflections on Postmodernism Now, *History and Theory*, 38:1-24

- Rodwell, G. 2013. Whose History: Engaging history students through historical fiction, University of Adellaide press.
- Rosenfeld, G. 2002. Why Do We Ask "What If?" Reflections on the Function of Alternate History, *History and Theory*, 41(4):90-103
- Rosenfeld, G. 2019. Why alternate histories have overtaken pop culture, *Washingtonpost*, from <https://www.washingtonpost.com/outlook/2019/02/20/why-alternate-histories-have-overtaken-pop-culture/>
- Schenkel, G. 2012. Alternate history - alternate memory: counterfactual literature in the context of German normalization, Ph.D. Dissertation, Faculty of graduate studies, The University of British Columbia, Vancouver
- Schmeink, L. 2009. Dystopia, Alternate History and the Posthuman in Bioshock, *Current Objectives of Postgraduate American Studies*,10, from <http://copas.uni-regensburg.de/article/view/113/137> regensburg.de/article/view/113/137
- Schmid, G. 2009. Counterfactuals and futures histories: retrospective imagining as an auxiliary for the scenarios of expectance, *Historical Research*,34(2):74-87
- Schmunk, R. B. 2017. from <http://uchronia.net/intro.html>, 1991-2017
- Schneider-Mayerson, M. 2009. What Almost Was: The Politics of the Contemporary Alternative History Novel, *American Studies*, 50(3/4):63-83
- Šimon, D. 2016. Alternate history novels - comparison of Harris's *Fatherland* and Dick's *The Man in a High Castle*, A Bachelor Thesis of Faculty of Education Charles University, Prague
- Spreicer, J. 2014. The Alternative History of Capitalism in HannesStein's *Komet*, An international Symposium, Zagreb, Faculty of Humanities and Social Sciences, 7-8 April 2017, from https://www.academia.edu/32363745/THE_ALTERNATIVE_HISTORY_OF_CAPITALISM_IN_HANNES_STEINS_DER
- Winthrop-Young, G. 2009. Fallacies and Thresholds, *Historical Research*, 34(2):99-117
- Wislicz, T. 2015. Almost-Histories, or Why some Tales of the Past Do Not Become Histories, Published in book *Cryptohistories*, edited by Alicia Bembem, Rafal Boryslawski, Justyna Jajszczok and Jacob Gajda, Cambridge

Alternate History and its Function in the Popularization of History¹

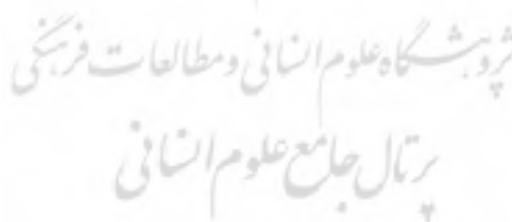
Morteza Nouraei²
Zohreh Rezai³

Received: 2020/12/24
Accepted: 2021/05/06

Abstract

The importance of historiography and its effect on different dimensions of the society's political, social, and economic life highlights the necessity of its popularization for different strata of the society. Researchers have studied solutions for this society's needs. One of those solutions is "Alternative History", which tries to challenge probable and parallel historical route of events in historical points of divergence. In fact, the upcoming events after this divergence illustrate a new world by challenging the present world's political-economic conditions. This technique, due to its potential characteristics, is of useful applications in historiography. Some of those characteristics are attracting the public, improving the fantasy and reason power of the public in thinking about the past, presenting novel shapes of social realities and shaping historical thinking, and improving the historical memory of the society. This is library research and was prepared using descriptive analysis and investigates the necessity of socialization of history, Alternative history and its appearance, development, and applications in the history popularization.

Keywords: Alternative History, Socialization, Public audience, History popularization



1. DOI: 10.22051/HPH.2021.34449.1486

2. Professor, Department of History, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: m.nouraei@ltr.ui.ac.ir

3. PhD in History of Islamic Iran, University of Isfahan, Isfahan, Iran, (Corresponding Author), Email: z_rezaii92@yahoo.com

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507